

The Paris treaty

قرارداد صلح پاریس

جدایی ایران و افغانستان

بشنو از نسی چون حکایت می‌کند	از جدایی‌های شکست‌آلود می‌کند
گزلستان تا مرا بپریده‌اند	از نایبم مسوره و زن ناله‌ده‌اند
سینه خوراهم شرحه شرحه از فراق	تا بگویم شرح درد اشتیاق
هرکس گوید دور ماند از اصل خویش	باز جوید روزگار و مل خویش

England قرارداد صلح پاریس

متن عهدنامه‌ی صلح که در روز ۲ مارس ۱۸۵۷ میلادی (۱۳ اسفندماه ۱۲۳۵ خورشیدی) میان ایران و انگلیس در شهر پاریس، بسته شد. تصدیق نامه‌های مربوط به این قرارداد، روز ۲ مه ۱۸۵۷ میلادی (۱۲ اردیبهشت ماه ۱۲۳۶ خورشیدی)، مبادله شدند.

به نام خداوند بخشندهی مهربان

«چون اعلیحضرت خورشید رایت اقدس همایون، سلطان معظم، شاهنشاه بالاستقلال کل ممالک ایران و علیاحضرت ملکه ممالک مجتمعهی بریتانیای کبیر و ایرلند بالسویه و از صمیم قلب مایلند که بر صدقات جنگی که مغایر و متافی میل و نیات دوستانه ایشان است نهایشی داده و روابط مودت قدیمه را به وسیله صلحی که مفید و نافع حال طرفین باشد مجدداً بر پایه و اساسی محکم استوار نمایند. برای وصول این مقصود و کلاهی مختار خود را از قرار ذیل معین داشتند:

از طرف علیاحضرت ملکهی ممالک مجتمعه بریتانیای کبیر و ایرلند، شرافت مآب «هنری ریچارد چارلز پارون گولی»^(۱) از اعظم ممالک مجتمعه و از اعضای دارالشورای مخصوص سلطنتی، دارای نشان پر افتخار حمام^(۲) از درجهی اول و سفیر کبیر فوقالعاده در دربار اعلیحضرت امپراطور فرانسه و غیره و از طرف اعلیحضرت شاه ایران جناب جلالت مآب، «مقرب‌الغاقان فرخ‌خان امین‌الملک» سفیر کبیر دولت علیه ایران دارای تمثال همایونی و حمایل آبی و کمر مرصع و غیره. پس از آن که مشارالیهما اختیار نامه‌های خود را فیما بین آراپه و میادله نموده و آن را مرتب به ترتیبات شایسته یافتند فصول ذیل را متفقاً منعقد داشتند.

فصل اول - از روز میادلهی تصدیق نامجات همین عهدنامه مابین اعلیحضرت پادشاه ایران و اعلیحضرت ملکهی ممالک مجتمعهی بریتانیای کبیر و ایرلند و نیز مابین اخلاف و ممالک و رعایای طرفین، مودت و صلح دائمی برقرار خواهد بود.

فصل دوم - از آنجایی که به سعادت و میمنت مابین اعلی‌حضرتین و معظمین صلح برقرار کردند به موجب این فصل مقرر است که عساکر اعلیحضرت ملکه خاک ایران را به شرایط ذیل تغلیه نمایند.

فصل سوم - دولتین معظمین معاهدتین شرط می‌نمایند که تمام اسرای که در مدت جنگ از طرفین دستگیر شده‌اند، فوراً رها نمایند.

فصل چهارم - اعلیحضرت پادشاه ایران تعهد می‌نماید که به مجرد میادلهی تصدیق نامجات این عهدنامه فوراً عفو نامهی کاملی اعلام نموده و به موجب آن تمام رعایای ایران را که به واسطهی مناسبات و مراودات خود در مدت جنگ با عساکر انگلیس، به هر نوعی که متهم شده و آلایشی پیدا کرده باشند از مسئولیت رفتار خود معفو دارند، به طوری که هیچ‌کس از هر طبقه‌ای که بوده باشد مورد هیچ گونه زحمت و اذیت و سیاست واقع نشود.

فصل پنجم - به علاوه اعلیحضرت پادشاه ایران متعهد می‌شوند که اقدامات فوری به عمل آورند برای این که از خاک و شهر هرات و تمام نقاط افغانستان عساکر و مامورین ایران را که فعلاً در آنجاها هستند بیرون آورند، این تغلیه در ظرف سه ماه از تاریخ میادلهی تصدیق نامجات عهدنامهی حاضر، صورت پیدا خواهد نمود.

فصل ششم - اعلیحضرت پادشاه ایران قبول می‌فرمایند که از هر نوع ادعای سلطنت به شهر و خاک هرات و ممالک افغانستان صرف نظر نموده و به هیچ وجه از روسای هرات و ممالک افغانستان هیچ‌گونه علامت اطاعت از قبیل سکه و خطبه یا باج مطالبه نمایند. و نیز اعلیحضرت پادشاه ایران متعهد می‌شوند که منبعم از هر گونه مداخله در امورات داخلی افغانستان احتراز کنند و قول می‌دهند که هرات و تمام افغانستان را مستقل شناخته و هرگز درصدد انحلال استقلال این ولایات برنیایند. در صورتی که اختلافی مابین دولت

ایران و ممالک هرات و افغانستان به ظهور رسد دولت ایران تعهد می‌کند که اصلاح آن را به اهتمام دوستانه‌ی دولت انگلیس رجوع نموده و قوای جبریه به کار نبرد. مگر آن‌که اهتمام دوستانه مشرئ نمری نشود. از طرف دیگر دولت انگلیس تعهد می‌کند که در تمام مواقع نفوذ خود را نسبت به ممالک افغانستان به کار برده و نگذارد که از طرف ممالک مزبور، یا یکی از آن‌ها هیچ‌گونه آسیاب رنجش و کدورتی برای دولت ایران ایجاد شده. هرگاه دولت ایران در موقع حدوث اشکالات به دولت انگلیس مراجعه نمود دولت مشارالیه نهایت سعی و کوشش را خواهد کرد که این‌گونه اختلافات را موافق حق و مطابق شرف دولت ایران اصلاح نماید.

فصل هفتم - هر گاه، از طرف یکی از ممالک مزبوره‌ی فوق به حدود ایران تجاوزی شد چنانچه استرضای شایسته به عمل نیامد دولت ایران حق خواهد داشت که اقدامات نظامی برای منع و سیاست متهاجمین به کار برد. ولی صریحاً مقرر است که هر قدر از قوای نظامی اعلیحضرت شاهنشاه ایران که بدین عزم از سرحد تجاوز نمود به مجرد اینکه به مقصود نایل گردید به خاک خود مراجعت خواهد کرد و نیز مقرر است که دولت ایران نباید حق فوق‌الذکر را وسیله قرار داده و شهر یا قصبه‌ای از ممالک مزبوره را دایماً تصرف یا به ممالک خود منضم نماید.

فصل هشتم - دولت ایران تعهد می‌کند که فوراً پس از مبادله‌ی تصدیق نامجات این عهدنامه، تمام اسرای را که در مدت عملیات جنگی عساکر ایران، در افغانستان دستگیر شده‌اند بدون اخذ فدیة آزاد نماید و تمام افاغنه که به طور گروهی یا به دلایل پولیتیکی در هر نقطه از نقاط ایران توقیف شده باشند به همان‌گونه آزاد خواهند شد مشروط بر این‌که افاغان‌ها هم بدون اخذ فدیة هر محبوس و اسیر ایرانی را که در ید قدرت آن‌ها باشد آزاد کنند. در صورت لزوم از طرف دولتین معاهدتین مامور به جهت اجرای مدلول این فصل معین خواهد شد.

فصل نهم - طرفین معاهدتین معاهدتین تعهد می‌کنند که در نصب و استقرار قنسول جنرال‌ها و قنسول‌ها و ویسی قنسول‌ها و وکلای قنسول‌گری هر یک از آن‌ها در خاک دیگری، حالت دول کاملاً‌الوداد را داشته و چنانچه نسبت به اتباع و تجارت دول کاملاً‌الوداد منظور است، از هر جهت همان‌طور با رعایا و تجار یک‌دیگر نیز رفتار نمایند.

فصل دهم - به مجرد مبادله‌ی تصدیق نامجات این عهدنامه سفارت انگلیس به تهران مراجعت خواهد کرد و دولت ایران قبول می‌نماید که سفارت مذکور را با معذرت و تشریفات معینه که وکلای مختار طرفین معظمین، امروز در نوشته جداگانه امضا نموده‌اند بپذیرد.

فصل یازدهم - دولت ایران تعهد نماید که به اتفاق ماموری که سفارت انگلیس معین می‌کند به دعاوی تقدینه‌ی رعایای انگلیس بر دولت ایران رسیدگی کرده و قطع می‌کند که در ظرف سه ماه بعد از مراجعت سفارت انگلیس به تهران، ماموری معین نماید. و نیز تعهد می‌نماید که هر یک از این دعاوی که به تصدیق مامورین رسیده باشد در ظرف مدتی که بیش از یک‌سال از تاریخ صدور حکم نباشد در یک دفعه یا به اقساط تأدیه نمایند. هر تبعه‌ی ایرانی با رعایای سایر دول که تا زمان حرکت سفارت انگلیس از تهران در تحت حمایت انگلیس بوده و از آن به بعد ترک آن را ننموده‌اند دعاوی و ادعایی با دولت علیه داشته باشند مامورین مزبور به آن هم رسیدگی کرده و حکم خواهند داد.

فصل دوازدهم - به استثنای شرط مفیده در قسمت آخر فصل اخیر، دولت انگلیس در آتیه از حق

حمایت رهایای ایران که فی‌الحقیقه در خدمت سفارت انگلیس و جنرال کنسول‌ها و بس‌کنسول‌ها یا وکلای کنسول‌گری نباشند صرف‌نظر خواهد نمود. مشروط بر این‌که چنین حقی به هیچ‌یک از سایر دول خارجه داده نشود و هیچ‌یک از این‌ها هم چنین حقی را معمول ندارند. ولیکن در این مورد مثل سایر موارد دولت انگلیس لازم دارد و دولت ایران هم تعهد می‌کند که همان امتیازات و معافیات و احترام و توجهی که در ایران نسبت به سایر دول خارجه‌ی کامله‌الرداد و نوکرها و رعایای آن‌ها داده شده و معمول است همان امتیازات و معافیات و احترام و توجه نیز دربارهی دولت انگلیس و نوکرها و رعایای آن داده شده و منظور شود.

**دولت ایران حق خواهد داشت
که اقدامات نظامی برای منع و
سیاست متهاجمین به کار برد.**

فصل سیزدهم - دولتین معظمتین معاهدتین قراردادی را
که به تاریخ ماه اوت ۱۸۵۱ (شوال ۱۲۶۷ هجری قمری) در باب منع تجارت برده فروشی در خلیج فارس منعقد داشته‌اند به موجب همین فصل تجدید می‌نمایند و علاوه بر آن تعهد می‌نمایند که قرار مزبور را بعد از انتقضای مدت آن یعنی بعد از ماه اوت ۱۸۶۲ برای مدت ده سال دیگر هم در حال ابقا بگذارند و از این تاریخ به بعد هم تا یکی از طرفین معاهدتین در خصوص بطلان آن به دیگری اعلامی ننماید قرارداد مذکور به قوت خود باقی خواهد ماند و اثر اعلام هم یکسال پس از تاریخ آن صورت واقع خواهد پذیرفت.

فصل چهاردهم - بلافاصله پس از مبادله‌ی تصدیق تامجات
این عهدنامه عساکر انگلیس از هر گونه اقدامات خصمانه دست خواهند کشید و دولت انگلیس علاوه بر این تعهد می‌نماید به محض این‌که شرایط راجع به تخلیه‌ی هرات و حدود افغانستان از عساکر ایران و نیز شرایط راجعه به پذیرفتن سفارت انگلیس در تهران کاملاً به موقع اجرا گذاشته شد عساکر خود را بدون تاخیر از تمام بنادر و نقاط و جزایر متعلقه به ایران بر دارد و دولت انگلیس متعهد می‌شود که در ظرف این مدت سرکردگان عساکر او عمداً هیچ اقدامی ننمایند که سبب ضعف اطاعت اتباع ایران نسبت به اعلیحضرت شاهنشاه ایران بشود. زیرا که بالمعکس دولت انگلیس جداً مایل است که این اطاعت را مستحکم نماید و دولت انگلیس متعهد می‌شود رعایای ایران را از زحمت حضوری که انگلیس حتی‌الامکان محفوظ دارد و منتقل می‌شود که نظارت‌خانه‌ی انگلیس قسمت آذوقه‌ای را که برای عساکر مزبور و به مأمورین خود حکم خواهد داد که در تهیه‌ی آذوقه معاونت و همراهی نمایند.

فصل پانزدهم - این عهدنامه تصدیق شده و در بغداد در طرف سه ماه و در صورت امکان زودتر تصدیق نامجات مبادله خواهد گردید، علیهذا وکلای مختار طرفین این عهدنامه را امضا کرده و به مهر خود ممهور داشتند. به تاریخ چهارم ماه مارس سنه ۱۸۵۷ - به چهار نسخه نوشته شد، امضا امین‌الملک - امضای کرلی».

۱. Henry Richard Charles Cowley.

۲. The Order of the Bath

نشان طبقه‌ی مخصوصی از نجبای انگلستان که از زمان هائری چهاردهم معمول گردید، این نشان به سه نوع یا اسامی مختلف تقسیم می‌شود، کسانی که لیاقت این نشان را پیدا می‌کردند می‌بایستی قبلاً با آداب مخصوصی در حمام غسل نموده تطهیر شوند. نشان حمام در ابتدای امر مخصوص نجبای لشکری انگلستان بوده ولی از سال ۱۸۴۷ به بعد، به طبقات اشراف غیرنظامی نیز از این نشان داده می‌شد.

برگرفته شده از نشریه وهومن شماره ۱۷

درفش کاویانی



<https://derafsh-kaviyani.com/>
<https://the-derafsh-kaviyani.com/>